



رفاه اجتماعی و رابطه آن با سرمایه اجتماعی و احساس امنیت

میلاذ عبدی^۱

چکیده

رفاه اجتماعی تعبیری است که بیشتر به یک وضعیت چند جانبه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی معطوف است و حفظ شأن انسان ها و مسئولیت پذیری جامعه در قبال آن و ارتقای توانمندی کلیت جامعه در عین اصطلاح تعریفی است برای رفاه و آسایش کل جامعه. به این معنا، در مفهوم رفاه اجتماعی فرض بر این است که امکان سنجش رفاه شخصی، و مقایسه ی رفاه افراد با یکدیگر، و ایجاد تعادل میان این رفاه فردی و کل رفاه جامعه وجود دارد. امنیت در تمامی ابعاد زیست محیطی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی رخنه کرده است. همچنین، احساس امنیت و ضریب امنیت بالا از شاخص های توسعه یافتگی و وضعیت بسامان است که این شاخص به عنوان یکی از مهمترین شاخص های رفاه اجتماعی دیگر شاخص های این مقوله را تحت الشعاع قرار می دهد. احساس امنیت، ذهنی این مقوله است و می توان گفت به نوعی کلیه وجوه امنیت را در خود مستقر دارد. این مفهوم از مفاهیم مهم و تأثیرگذار بر مسائل حوزه رفاه اجتماعی است. هدف از مقاله حاضر توصیف رفاه اجتماعی و ارتباط آن بر احساس امنشود و سرمایه اجتماعی در افراد جامعه است. با بررسی مفاهیم و دیدگاه ها، به نتیجه می رسیم که، بین رفاه اجتماعی و سرمایه اجتماعی رابطه مستقیمی وجود دارد و همینطور بین رفاه اجتماعی و احساس امنیت رابطه معناداری وجود دارد. مقاله حاصل مطالعه اسنادی و کتابخانه ای است.

کلید واژه: رفاه اجتماعی، سرمایه اجتماعی، احساس امنیت

۱- مقدمه و طرح مسئله

مطالعه در تاریخ جوامع بشری از آغاز تاکنون حکایت از آن دارد که برخی از نیازهای انسان علی رغم پیشرفت هایی که در سیر تاریخی او صورت گرفته هنوز با او همراه بوده و نه تنها از اهمیت آن کاسته نشده، بلکه ابعاد جدیدتری را به خود اختصاص داده که در گذشته مطرح نبوده است. یکی از مهم ترین این نیازها، نیاز به امنیت است. این نیاز در گذشته عامل مهمی در شکل گیری سازمان ها و نهادها در درون هر جامعه بوده و توانسته است مانند گذشته به عنوان یکی از مهم ترین و حیاتی ترین نیاز بشر امروز مطرح می شود، تا جایی که تحقق آن در هر جامعه ای نوید پویایی، رشد و توسعه برای آن جامعه بوده و ثبات و پایداری

^۱ کارشناسی ارشد، علوم اجتماعی (برنامه ریزی رفاه اجتماعی)، پردیس البرزدانشگاه تهران، abdi.milad70@ut.ac.ir

ساختارهای اجتماعی را در آن جامعه موجب می شود. همان گونه که از عنوان بر می آید موضوع اصلی رفاه اجتماعی و تأثیر آن بر امنیت است. که در واقع موضوعی مطرح در همه فرهنگ هاست و تعریف آن در هر جامعه ای تا اندازه ای به حس مشترک مردمان از سلامت و فرهنگ آنها باز می گردد. (سجادی و صدرالسادات، ۱۳۸۴: ۲۴۴).

در زمینه رفاه اجتماعی تعاریف متعددی ارائه شده که هر یک بر بعد یا ابعادی خاص تأکید داشته اند. یکی از جامع ترین این تعاریف که ابعاد مختلف رفاه اجتماعی را در بر می گیرد، عبارت از «مجموعه شرایط و کیفیت هایی است که نیازهای فردی و اجتماعی آحاد جامعه را در حد قابل قبول تأمین کرده و همه مردم از زندگی در آن شرایط احساس امنیت، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی داشته باشند» (شورای برنامه ریزی سازمان بهزیستی کشور، ۱۳: ۱۳۹۱) بنابراین می توان گفت رفاه مفهومی چند بعدی است که بر سه مؤلفه دلالت دارد: ۱- نیازها، آنچه مردم باید داشته باشند؛ ۲- منافع، آنچه برای مردم خوب و سودمند است؛ ۳- خواسته ها، آنچه مردم برای خود انتخاب می کنند. در هر مورد، فقر یا محرومیت می تواند به عنوان فقدان رفاه شناخته می شود که در ابعاد فردی و اجتماعی بر هم منطبق است (گوردون ۲۰۰۰).

رشد و توسعه همواره در سایه حداقلی از امنیت فراهم گردیده و همواره جستجوی امنیت از مهمترین انگیزه ها و نیازهای انسان بوده است که مهمترین نیاز همه اجتماعات محلی، ملی و منطقه ای به شمار می رود. احساس امنیت بعد ذهنی این مقوله است و می توان گفت به نوعی کلیه وجوه امنیت را در خود مستقر دارد. این مفهوم از مفاهیم مهم و تأثیرگذار بر مسائل حوزه رفاه اجتماعی است؛ بدین معنا که رفاه بدون احساس امنیت معنا نخواهد داشت، اما با توجه به درجه حساسیت و اهمیت بسیار زیاد و تأثیر آن بر زندگی همه افراد چنانکه شایسته است، بدان پرداخته نشده است و این در حالی است که برقراری امنیت و احساس آن می تواند پتانسیل نیرومندی برای رشد و تعالی از سطح فردی تا فراملی را در بر بگیرد و البته، عکس آن نیز صادق است. در شرایط عدم امنیت گسترش آسیب های اجتماعی و افزایش جرم و جنایت به عنوان نشانه هایی برای ضعف آن تلقی می شود و بیانگر تنزل امنیت اجتماعی است.

از سوی دیگر، آنچه مسلم است، این است که تأمین امنیت و ایجاد احساس امنیت در جامعه صرفاً از سوی دولت امکان پذیر نخواهد بود، بلکه آحاد مردم به عنوان کنشگران فعال در عرصه اجتماعی در برآوردن این مهم نقش بسزایی دارند. لذا به منظور دستیابی به رفاه که از مهمترین اهداف و خواسته های هر جامعه ای است، پرداختن به موضوع امنیت به عنوان یکی از عمده ترین شاخص های رفاه و توسعه ضروری می نماید. احساس امنیت تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد که یکی از این عوامل تأثیرگذار مقوله اعتماد اجتماعی است. لزوم شکل گیری پیوندهای اجتماعی افراد و در نتیجه آن روابط بین افراد، بیانگر مؤلفه مهمی به نام اعتماد اجتماعی در بین افراد است.

امنیت اجتماعی توانایی جامعه برای حفظ هویت، منافع و ویژگی های اساسی خود در برابر شرایط متحمل تهدید ها و نیز توانایی ارتقای وضعیت اجتماعی به سمت ارزش ها و آرمان های جامعه است.

مارشال حقوق شهروندی را دارای سه حوزه اصلی می داند: ۱- حقوق مدنی: عبارت از حقی است که امکان تملک دارائی ها و التزام به قراردادهای آزادی های حزبی و آزادی فکر و اندیشه را فراهم می کند، ایجاد توقعات برابر و قضاوت بی طرفانه در نظام حقوقی، نسبت به همه شهروندان از جمله حقوق شهروندی مدنی است. ۲- حقوق سیاسی: عبارت است از حقوقی که امکان مشارکت مردم را در تصمیمات عمومی کشور با تشکیل احزاب سیاسی و برگزاری انتخابات، دسترسی مستقیم به موقعیت های سیاسی در مقام رهبری احزاب، دولت و سایر حلقه های قدرت. ۳- حقوق اجتماعی: شامل کمک های مالی و

رفاهی به افراد کهنسال، معلول و افراد خانواده های بیکار، بهره مندی از امکانات آموزشی، مسکن سلامتی برای همه اعضای جامعه. (رمضان مقدم و اجاری، یاسمن، جانی پور، مجتبی: ۷: ۱۳۹۶).

رفاه اجتماعی مجموع سازمان یافته ای از قوانین، مقررات، برنامه ها و سیاست هایی است که در قالب م سیاست رفاهی و نهادهای اجتماعی به منظور پاسخ گویی به نیازهای سعادت تأمین و معنوی و مادی انسان ارایه می شود، تا زمینه رشد و تعالی او را فراهم آورد. چنانچه تعریف فوق نشان می دهد رفاه اول اینکه: اجتماعی مجموعه ای است از قوانین، مقررات و برنامه های رفاهی، یعنی برنامه ها و سیاست های مختلف رفاهی از قوانین و مقرراتی سرچشمه می گیرد که چارچوب آن توسط قوه مقننه در قالب قانون و یا توسط قوه مجریه در قالب آیین نامه و دستورالعمل های اجرایی و با توجه به سیاست های عمومی دولت و نیازهای اساسی جامعه تنظیم و ترسیم می شود دوم اینکه. مجری برنامه ها و تدابیر رفاهی اجتماعی، تنها مؤسسات رفاهی مربوط به دولت نبوده، بلکه نهادهای اجتماعی با هدایت و حمایت دولت، نقش مهم و ارزشمندی را در تأمین رفاه اجتماعی به عهده دارند سوم اینکه. هدف از این برنامه ها، تأمین سعادت انسان است و سعادت انسان در گرو تعالی و تکامل اوست و لذا تأمین نیازهای مادی و معنوی و برخورداری از برنامه های مختلف رفاه اجتماعی زمینه و امکان چنین سعادت را برای بشر فراهم می آورد. از همین رو اساس رفاه اجتماعی به نوعی در صورت تحقق، آن شهروندان دارای انگیزه و روحیه شاد بوده و در نهایت، جامعه شاداب و سلامت خواهد بود. در واقع زندگی سالم محصول تعامل اجتماعی بین انتخاب های فردی از یک سو و محیط اجتماعی و اقتصادی احاطه کننده افراد از سوی دیگر است و در نتیجه احساس امنیت در جامعه به طور محسوسی حس می شود. در این پژوهش که به صورت مطالعه اسنادی، کتابخانه ای صورت گرفته است در پی رفاه توصیف اجتماعی و شناخت رفاه اجتماعی، دیدگاه و.... وارتباط آن بر احساس امنیت می پردازیم.

۲- فرضیات

- بین سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد
- بین رفاه اجتماعی و احساس امنیت رابطه مستقیم وجود دارد.
- رفاه اجتماعی: رفاه اجتماعی به معنای سطح بهزیستی و رفاه در یک جامعه و میزان برخورداری افراد یک جامعه از امکانات مادی و معنوی موجود می باشد.
 - سرمایه اجتماعی: مجموعه مفاهیم چون اعتماد، هنجارها و شبکه ها که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه، یک اجتماع می شود. و در نهایت منافع متقابل آن ها را تأمین می کند
 - احساس امنیت: احساس مصونیت فرد در مقابل تهدید هایی است که از جانب کششگران دولتی یا غیر دولتی جان، مال، فکر و توانایی افراد برای شرکت در اجتماعات دلخواه یا حفظ این اجتماعات تهدید می کند.

۳- مفهوم رفاه اجتماعی

رفاه اجتماعی تعبیری است معطوف به وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که حفظ کرامت انسانی و مسئولیت پذیری افراد جامعه، در قبال یکدیگر و ارتقای توانمندی ها، از اهداف آن است.

فهم و محتوای رفاه اجتماعی در طول چند دهه اخیر، بسیار دگرگون گشته است، در دهه ۱۹۷۰، گفته می شد که «رفاه اجتماعی، مجموعه قوانین، برنامه ها و خدمات سازمان یافته ای است که هدف آن تأمین حداقل نیازهای اساسی آحاد جمعیت کشور می باشد. گفتمان مسلط رفاه اجتماعی تا دهه های اخیر و تا قبل از "چرخش فرهنگی" در نظریه اجتماعی در دهه ۱۹۷۰، "گفتمان مادی" بوده و تنها آن دسته مقولات مادی، کمی، عینی، سنجش پذیر و اقتصادی به مثابه عوامل مولد یا مانع رفاه اجتماعی جامعه یا گروه های اجتماعی خاص محسوب می شده است. تحول اساسی در گفتمان رفاه اجتماعی ابتدا از دهه ۱۹۷۰ به بعد آغاز شد که نظریه های توسعه اقتصادمحور با چالش های اجتماعی و فرهنگی مواجه شد و به خصوص رویکردهای "نظریه نوسازی" نتوانست به توسعه در کشورهای جهان سوم یاری رساند و نظریه های وابستگی" که شارح اصلی آن آندره گوندر فرانک بود و "نظریه نظام جهانی" که شارح اصلی آن والرشتاین بود و "نظریه های انتقادی فمینیستی" و "نظریه های نئومارکسیستی" مکتب فرانکفورت و مکتب مطالعات فرهنگی بیرمنگام، به شدت اعتبار نظریه نوسازی و رویکردهای اقتصاد محور را به چالش کشید. در طول سال های دهه ۱۹۸۰، این مفهوم، به این شکل تغییر کرد؛ که رفاه اجتماعی، به مجموعه اقدامات و خدمات گوناگون اجتماعی در جهت ارضاء نیازهای افراد و گروه ها در جامعه و غلبه بر مسائل اجتماعی» اطلاق می شد. در دهه ۱۹۹۰ عبارت رفاه اجتماعی زاده تحولات و مناسبات اقتصادی و اجتماعی قرن نوزدهم اروپا به بعد است اما برخی به خصوص مورخان تلاش می کنند، این عبارت را به یک امر تاریخی منتسب کنند. گپینز پست معتقد است حقوق رومی و حقوق مدون کلیسا اندیشه هایی در خصوص نوعی رفاه عمومی برتر از حد تعلقات محلی عرضه می داشتند. و دلیل اصلی برقراری نهاد سلطنت تأمین رفاه عمومی بود (یزدانی، ۱۳۸۲: ۳۴)

این اصطلاح از کلمه قدیمی Fare well گرفته شده است که به معنی خوب بودن، و خوب شدن و در معنی وسیع تر، حالتی از مناسب بودن است. (یزدانی، ۱۳۸۲: ۳۸)

از نظر سازمان ملل متحد رفاه اجتماعی عبارتست از دامنه وسیعی از فعالیت ها و برنامه هایی که تحت نظارت و با کمک دولت برای بهزیستی افراد و جامعه انجام می شود.

رویکردها و نظریه های مربوط به رفاه، مطابق تقسیم بندی عام در جامعه شناسی، بیشتر به دو نوع نگرش «جمع گرایانه» و «فردگرایانه» قابل تقسیم است؛ که به تبع آن، راه حل هایی نیز حول آن شکل گرفته است. طرفداران رویکرد فردگرایانه بر این باورند که پیشرفت های رفاهی فقط تابع نظام بازار بوده و از طریق مکانیزم تولید محصولات و کالاهای مورد استفاده عموم مورد نظر افراد می باشد، امکان پذیر می گردد، طرفداران نظریه جمع گرایانه کسانی هستند که ضرورت های رفاهی را بعد جمعی تعبیر و تفسیر می کنند. از دیدگاه اینها یک رشته ارزشهای اجتماعی وجود دارد که باید مستقل از اختیارات افراد ارتقای یابد از این دیدگاه، پدیده های جمعی از لحاظ چگونگی کاهش فقر و محرومیت و میزان ارتقای مساوات با هم مقایسه می شوند و در آن ابزار و آلات رفاهی بر اساس عملکرد مربوط به بالا بردن میزان کالاهای مادی بررسی می شوند (میجلی، ۱۳۷۸: ۱۴۰). رویکردهای رفاه به دو بخش عینی و ذهنی تقسیم می شود که امروزه در مطالعات رفاه، هم شاخصهای عینی و هم شاخصهای ذهنی در نظر گرفته میشود. اهداف رفاه اجتماعی عبارتند از: تأمین مساوات بین نسل ها، تأمین فرصت های اجتماعی

برابر، کاهش فقر، توانمندسازی، امنیت انسانی و اقتصادی، آگاه سازی، اشتغال، مشارکت، تأمین نیازها و این اهداف در قالب رهیافت های فرد روستایی، جامعه روستایی، محیط و تعامل فرد، جامعه و محیط قابل دستیابی است.

رفاه اجتماعی امری است واقعی با ابعادی گسترده و شاخص های متنوع نسبی و متأثر از شرایط فرهنگی و اجتماعی متأثر از شرایط زمانی و مکانی و دارای دست کم یک ویژگی مهم و آن این که، مقوله رفاه اجتماعی مترادف یا دربردارنده نوعی مطلوبیت و لذت برای فرد است که اکثراً با معیارهای پولی و مادی سنجیده می شود. اگر چه مفهوم رفاه نباید تنها از بعد مادی محض مورد نظر قرار دارد.

جرمی بنتام رفاه اجتماعی را نوعی تراکم ساده و مکانیکی از رفاه های فردی می داند. به نظر وی رفاه اجتماعی با بهره مندی اجتماعی و حداکثری خیر و خوشبختی را برای حداکثر آحاد مردم برابر است. (زاهدی، محمد جواد، و ملیحه شیبانی و پروین علی پور ۱۳۸۸: ۱۱۵)

یکی از پایه های اندیشه در زمینه رفاه اجتماعی، به نظریه اخلاقی دولت هگل باز می گردد. بر مبنای این نظریه، وظیفه اخلاقی دولت، حفظ امنیت و ایجاد اعتماد عمومی به کارکردهای جامعه در جهت حفظ منافع یکایک افراد جامعه است و عدالت نیز در این زمینه نقش بسزایی برعهده دارد و زمانی که عدالت، بعد اجتماعی به خود می گیرد، احساس امنیت و رفاه در افراد جامعه رو به پایداری می رود. (یزدانی، ۱۳۸۲: ۳۴). از نظر سازمان ملل متحد، ((رفاه اجتماعی)) عبارت است از دامنه وسیعی از فعالیت ها و برنامه هایی که تحت نظارت و با کمک دولت برای بهزیستی افراد و جامعه انجام می شود.

به نظر ادوین کاس که (۲۰۰۵) مفهوم سازی از رفاه اجتماعی، از کشوری به کشور دیگر متفاوت است و وابسته به سنت ها، تجربه ها و سطح توسعه اقتصادی می باشد. از نظر کاس ویژگی کلیدی رفاه اجتماعی این است که تحت نظارت قانون است، به طوریکه افراد در مقابل هرگونه تصمیم دلخواه موسسه رفاه اجتماعی، پشتیبانی می شود.

۴- شاخص های رفاه اجتماعی

پاتنام در مورد رفاه اجتماعی به این مسئله اشاره دارد که رفاه اجتماعی را می توان اندازه گرفت. این قابلیت به ما اجازه می دهد رفاه های فردی را با هم ترکیب کنیم و سطح متراکم رفاه اجتماعی را در مجموع اندازه بگیریم.

شاخص های رفاه اجتماعی در ایران شامل: شاخص های اصلی و شاخص های فرعی هستند. که شاخص های اصلی شامل: آموزش و پرورش، جمعیت و نیروی انسانی، هزینه و تأمین اجتماعی، تغذیه، مسکن، درمان و..

و شاخص های فرعی شامل: دسترسی به تسهیلات فرهنگی، محیط زیست، گذراندن اوقات فراغت و....

به طور کلی شاخص های رفاه اجتماعی را می توان به دو گروه تقسیم کرد:

الف) شاخص کمی: که شامل موارد ذیل است (تودارو، ۱۳۶۶)

۱- اشتغال کامل

منظور از اشتغال کامل وضعی است که در آن هرکس قادر و مایل باشد بتواند شغل مناسبی برای خود به دست آورد و نرخ بیکاری کمتر یا مساوی حداقل سطح مطلوب مثلاً ۲ درصد باشد. البته یادآور میشود که در شرایط اشتغال کامل هر کس باید در شغل تخصصی خود کار کند و در تولید اجتماعی، متناسب با تجربه و تخصص خود مؤثر باشد. به عبارت دیگر، در اشتغال کامل نرخ بیکاری پنهان نیز بسیار پایین است.

۲- تولید (درآمد) سرانه

از تقسیم کل تولید (درآمد) ناخالص ملی بر کل جمعیت، تولید (درآمد) سرانه به دست می‌آید. از درآمد سرانه اغلب به عنوان شاخص سطح زندگی و توسعه استفاده میشود. البته این شاخص کاملاً رسا نیست. زیرا نمایانگر چگونگی توزیع در آمد و مالکیت دارایی‌ها که بخشی از آن ایجاد درآمد میکند، نیست.

۳- نوآوری و خلاقیت

کاربرد اختراعات و روشهای جدید تولید در فعالیتهای مربوط به تولید و همچنین معرفی محصولات جدید از دیگر شاخصهای توسعه اجتماعی است. گذشته از آن نوآوری‌ها شامل معرفی روشهای جدید اجتماعی و نهادی برای سازماندهی و مدیریت متناسب با راههای جدید انجام فعالیت‌های اقتصادی اجتماعی هم میشود.

۴- سطح بالای زندگی

اگر افراد تنها قادر به تأمین حداقل مواد غذایی، مسکن و پوشاک خود باشند گفته میشود که سطح زندگی آنان بسیار پایین است. از طرف دیگر اگر آنان از تنوع بیشتری در غذا، مسکن، پوشاک و خدمات دیگری نظیر بهداشت خوب، آموزش، فراغت و غیره برخوردار باشند به طور نسبی از سطح زندگی بالاتری برخوردارند.

۵- امید به زندگی در بدو تولد

منظور از امید زندگی در بدو تولد تعداد سالهایی است که انتظار می‌رود کودک بعد از تولد زندگی کند، با توجه به خطرهای مرگ و میر که برای گروه‌های مختلف سنی جمعیت اتفاق می‌افتد. (همان ۸۸۰) بدیهی است هر چه امید به زندگی در بدو تولد بیشتر باشد رفاه اجتماعی و به دنبال آن توسعه اجتماعی بیشتر خواهد بود.

۶- نرخ باسوادی

نرخ باسوادی عبارت است از درصد افراد ۵ سال و بالاتری که قادر به خواندن و نوشتن هستند. (همان ۸۸۰) هر چه جمعیت باسواد بیشتر باشد رفاه جامعه و سطح توسعه اجتماعی بیشتر خواهد بود.

۷- وجود کالاهای ضروری برای همه

کالاهای ضروری کالاهایی هستند که ادامه زندگی شایسته بدون آنها ممکن نیست مانند غذا، پوشاک، مسکن، حمایت و مراقبت‌های پزشکی. (همان ۸۸۰) این کالاها اقلامی هستند که برای یک زندگی خوب لازم است دسترسی همه افراد جامعه به این گروه از کالاها یکی دیگر از شاخصهای توسعه اجتماعی محسوب میشود.

۸- نرخ پایین رشد جمعیت

هر چه نرخ رشد جمعیت کمتر باشد، کیفیت نیروی انسانی بالاتر میرود، محصول تولید شده و درآمد حاصل از رشد به شکل عادلانه‌تری بین جمعیت توزیع میگردد. بدین ترتیب رفاه افراد جامعه بالاتر میرود.

۹- نرخ پایین مرگ و میر کودکان

هر چه میزان مرگ و میر کودکان ۰ تا ۴ سال کمتر باشد رفاه اجتماعی افزایش مییابد چون یکی از دلایل اصلی تولید مثل زیاد عدم اطمینان از زنده ماندن تمام کودکان تولد یافته است.

۱۰- هزینه های بهداشت و درمان

هر چه هزینه های بهداشت یعنی طب پیشگیری برای مصون سازی در مقابل بیماریها بیشتر و هزینه های درمان کمتر باشد جامعه مرفه تر می باشد در نتیجه سطح توسعه اجتماعی بیشتر می شود.

۱۱- منافع اجتماعی تولید کالاها و خدمات منافع حاصل شده یا در دسترس کل اجتماع در مقابل منافع شخصی افراد، از جمله حمایت و امنیت که توسط نیروهای انتظامی فراهم میشود، صرفه جویی های خارجی ناشی از نظام مؤثر عرضه خدمات بهداشتی، اثرات وسیع و گسترده منافع یک جمعیت با سواد. (همان ۹۰۹) هر چه منافع اجتماعی تولید یک کالا یا خدمت بیشتر از منافع خصوصی آن باشد درجه توسعه اجتماعی بالاتر است.

۱۲- توزیع درآمد بصورت عادلانه

توزیع درآمد یعنی درآمد حاصل از تولید چگونه به عوامل تولید تعلق میگیرد؟ یا سهم بخش های اقتصادی از درآمد حاصله چقدر است؟ توزیع درآمد را از روش های مختلف اندازه گیری مینمایند. از جمله توزیع درآمد بر حسب ابعاد گروه های درآمدی، توزیع درآمد مبتنی بر عوامل تولید، توزیع مقداری در آمد، توزیع درآمد از طریق منحنی لورنز، توزیع درآمد از طریق محاسبه ضریب جینی. هر چه توزیع درآمد در یک جامعه عادلانه تر صورت گیرد درجه توسعه اجتماعی آن جامعه بالاتر است.

۱۳- شاخص توسعه انسانی

این شاخص میانگین موفقیت های هر کشور را در سه بعد اصلی توسعه انسانی یعنی طول عمر، دانش و سطح مطلوب زندگی برآورد میکند. شاخص توسعه انسانی شاخصی است ترکیبی با سه متغیر میانگین عمر، دستیابی به آموزش سوادآموزی بزرگسالان و ترکیب نام نویسی در دوره های ابتدایی و راهنمایی و متوسطه) و تولید ناخالص داخلی سرانه

۱۴- نرخ مشارکت در فعالیت های اجتماعی

نسبت تعداد افرادی که در فعالیت های اجتماعی و سیاسی مشارکت مینمایند به جمعیتی که در سن فعالیت قرار دارند (۱۵ سال به بالا) و با محدودیتی برای فعالیتهای اجتماعی روبرو نیستند نرخ مشارکت در فعالیت های اجتماعی را به دست میدهد. هر چه نرخ مشارکت مردم در فعالیت های اجتماعی و سیاسی مانند انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات مجلس شورای اسلامی، انتخابات مجلس خبرگان رهبری، انتخابات شوراها، عضویت در احزاب سیاسی و صنفی، و سایر فعالیتهای سیاسی- اجتماعی بیشتر باشد کشور به لحاظ اجتماعی توسعه یافته تر تلقی میگردد. زیرا نظارت مردم بر مسئولان اجرایی افزایش می یابد و در نتیجه فعالیت های اجرایی کشور مسیر صحیح تری را طی میکند.

۱۵- معیار تقویت جنسیتی

این معیار نشانگر آن است که آیا زنان میتوانند فعالانه در زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شرکت کنند یا نه؟ معیار تقویت جنسیتی بر مشارکت استوار است و به ارزیابی نابرابری جنسی در عرصه های کلیدی مشارکت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و تصمیم گیری ها نظر دارد.

۱۶- نرخ پوشش بیمه های درمانی و بازنشستگی

بیمه های تأمین اجتماعی، درمانی و بازنشستگی جمعیت، موجب تأمین هزینه های درمانی و درآمد دوران بیکاری و بازنشستگی میگردد. هر چه نسبت افراد تحت پوشش انواع بیمه بیشتر باشد درجه توسعه اجتماعی کشور بالاتر خواهد بود. معایب موجود در

اندازه گیری درآمد ملی سرانه و درآمد ناخالص ملی به مثابه معیار مشخص کننده رفاه اجتماعی، گروهی از اقتصاددانان را بر آن داشت تا در صدد استفاده از شاخص های کیفی اجتماعی برای تعیین رفاه اجتماعی برآیند. معیارهای رفاه اجتماعی عبارتند از بهداشت، تغذیه، آموزش و پرورش، اشتغال، شرایط کار مصرف مواد حیاتی، حمل و نقل، مسکن، استفاده از تسهیلات زندگی روزمره، لباس، گسترش قوه ابتکار، تفریحات سالم و امنیت اجتماعی. (قرهباغیان ۱۳۷۰: ج ۱۳، ۱)

۵- شاخص های کیفی رفاه اجتماعی به شرح زیر می باشد.

عمده ترین شاخصهای کیفی توسعه اجتماعی که تقریباً قابل اندازه گیری نیستند عبارتند از:

۱- اراده سیاسی

منظور از اراده سیاسی، تصمیم های قاطعانه، آگاهانه، هدفدار و مستقل، نتیجه گیری ها و انتخاب های مشخص مقام های سیاسی مملکت در زمینه هایی نظیر از بین بردن نابرابری، فقر و بیکاری از طریق اصلاحات مختلف در ساختهای اجتماعی، اقتصادی و نهادی است. (همان ۸۹۵) فقدان اراده سیاسی اغلب یکی از مهمترین موانع توسعه و دلیل عمده شکست بسیاری از برنامه های توسعه اجتماعی است.

۲- عزت نفس

هر جامعه، هنگامی که نظام ها و نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در جهت افزایش احترام، ارتقای شأن، کمال، خود تصمیمی و غیره باشد از عزت نفس بیشتری بهره مند میشود. ایجاد شرایطی که موجب رشد عزت نفس مردم شود و مردم به خود و جامعه خود احترام بگذارند و به آزادی خود و دیگران احترام بگذارند و بتوانند عقاید مخالف خود را تحمل نمایند سبب ارتقای سطح توسعه اجتماعی میگردد.

۳- ثبات و امنیت جامعه

ثبات و امنیت به عنوان بستر اصلی هرگونه فعالیت مثبت اقتصادی و اجتماعی، مورد تأکید و عنایت ویژه کلیه مکتب ها و مسلکهاست. تاریخ سیاسی ایران در متجاوز از ۲۵ قرن نشان میدهد که فقدان ثبات و امنیت عنصر کلیدی عقب افتادگی و واپس ماندگی تاریخی کشورمان است. تحلیل های تاریخی به وضوح بیانگر آن است که هرگاه گستره و عمق نا امنی در کشور محدود شده است شاهد پیشرفت و آبادانی بودهایم. (مؤمنی ۱۳۷۴: ۲۵)

۶- احساس امنیت

امنیت به عنوان ضروری ترین نیاز اساسی ترین بستر دوام و بقای جوامع بشری تلقی می شود. بر اساس تئوری هرم نیازهای آبراهام مازلو، نیاز به امنیت بعد از نیازهای زیستی یا فیزیولوژیک (شامل نیاز به آب، غذا، پوشاک و مسکن)، اساسی ترین نیاز بشر است. مازلو معتقد است: چنانچه نیاز آدمی و یا جامعه در هر مقوله ای رفع نشود، انسان یا جامعه هیچ نیازی به مقوله هایی که در مراتب بالاتر هرم نیازها قرار دارد از جمله رشد و توسعه احساس نخواهد کرد. از این رو می توان گفت: تا زمانی که نیاز انسان ها به برخورداری از امنیت رفع نشود، انسان نخواهد توانست به مراحل بالاتر نیازها و نهایتاً به مرحله ی « احساس نیاز به خودشکوفایی » که از جمله بالاترین درجه نیازهای موجود در هرم نیازهای مازلو و اصلی ترین عامل جهت رسیدن به شکوفایی است، دست یابد. شاید تا چند دهه اخیر متفکران اجتماعی، بین امنیت و احساس آن چندان تفاوتی قائل نبودند، ولی به واسطه تغییر و تحولات پس از جنگ جهانی دوم، بعد ذهنی امنیت (احساس امنیت) اهمیت غیر قابل انکاری پیدا کرده است. این

احساس ناشی از تجربه های عینی و اکتسابی افراد از شرایط و اوضاع پیرامونی است و فقط به شاخص های امنیت قابل تقلیل نیست. احساس امنیت فرایندهای روانی و اجتماعی است که صرفاً بر افراد تحمیل نمی شود، بلکه اکثر افراد جامعه بر اساس نیازها، علائق، خواسته ها و توانمندی های شخصیتی و روانی خود در ایجاد و از بین بردن آن نقش اساسی دارند. بر اساس تمایز میان مرز احساس و واقعیت می توان احساس امنیت را از امنیت واقعی تفکیک کرد. گاه ممکن است ناامنی هایی در جامعه وجود داشته باشد، ولی مردم احساس نکنند. گاه نیز موارد و مصادیق ایجاد ناامنی کم است اما مردم احساس ناامنی می کنند. این مسئله که چه شرایطی افراد را به این جمع بندی می رساند که در یک موقعیت احساس ناامنی داشته باشند و در شرایطی دیگر به رغم پایین بودن شاخص های امنیت، احساس امنیت بالایی داشته باشند، تحت تأثیر عواملی است که سرمایه اجتماعی و بالطبع حمایت اجتماعی یکی از آنها است. بی نظمی اجتماعی، درک بروز جرایم و بزهکاری و اعتماد اجتماعی از موارد دیگری هستند که بر ایجاد احساس امنیت در جامعه تأثیر دارند (امیر کافی، ۱۳۸۸: ۵). با گسترش جوامع بشری و افزایش روابط میان انسان ما، امنیت شکل های مختلفی به خود گرفت، از جمله امنیت اجتماعی، امنیت ملی، امنیت بین المللی و...، ولی تمام این اشکال امنیت زمانی قابلیت تحقق دارند که کوچک ترین واحد جامعه، یعنی فرد، احساس امنیت کرده و یا به زبانی دیگر امنیت انسانی برقرار شود. به طور کلی نیاز انسان ها به برخورداری از سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی، مصونیت در مقابل سوانح طبیعی، داشتن محیط زیستی سالم و پاک، قرار نگرفتن در زمره ی قربانیان خشونت (تجاوز جنسی، نژادپرستی، قتل و تروریسم و...) و در یک کلام برخورداری از حمایت ها و حقوق بشر است که به مسئله امنیت انسانی معنا و مفهوم می بخشد. با این نگاه می توان ابعاد مختلف و گسترده ای را برای امنیت انسانی قائل بود که عموماً شامل ابعاد اقتصادی، بهداشتی (جسمانی و روانی)، سیاسی، اجتماعی، آموزشی و ... می شود. ریشه لاتین کلمه security، واژه securus است که در لفظ به معنای « بدون دغدغه » است. واژه امنیت در کاربرد عام به معنای رهایی از مخاطرات مختلف است. فرهنگ آکسفورد این واژه را با عبارت زیر تعریف کرده است: « امنیت » شرایطی است که در آن، [یک موجود] در معرض خطر نبوده یا از خطر محافظت می شود. « تعاریف مندرج در فرهنگ لغات درباره مفهوم کلی امنیت بر روی « احساس آزادی از ترس » یا « احساس ایمنی » که ناظر بر امنیت مادی و روانی است تأکید دارند (همان: ۳). کلمتس معانی لغوی امنیت را چنین خلاصه کرده است: « رهایی از خطرات مخاطرات و یا لطمات، ایمنی روانی، رهایی از هراس یا تردید مشوش نبودن، نبودن احتمال ناکامی، چیزی که ایمنی می دهد و اطمینان می بخشد » (کلمتس، ۱۳۸۸) بوزان (۱۳۷۸) معتقد است: تعاریف لغوی امنیت عبارت است از: حفاظت در مقابل خطر (امنیت عینی)، احساس ایمنی (امنیت ذهنی) و رهایی از (تردید) و اعتماد به دریافت های شخصی). به اعتقاد بوزان، اکثر تهدیداتی که متوجه افراد است، ناشی از این حقیقت است که افراد در محیط انسانی به سر می برند و این محیط موجد انواع فشارهای غیرقابل اجتناب اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است تهدیدات موجود در جامعه به اشکال بسیار متنوعی رخ می دهد ولی اصولاً سه نوع هستند: تهدیدهای فیزیکی یا جسمی (درد، صدمه و مرگ)، تهدیدهای اقتصادی (تصرف یا تخریب اموال، عدم دسترسی به کار با منابع) و تهدیدها نسبت به حقوق (زندانی شدن، از بین رفتن آزادی های عادی مدنی) همراه با تهدیدات موقعیت یا وضعیت (تنزل رتبه، تحقیر در نظر عامه). غالباً این تهدیدها با هم همبستگی دارند یعنی وقوع یکی از آنها ممکن است به بروز عواقبی در دیگری منجر شود (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۴).

توجه لغوی واژه امنیت و تعاریف مختلف موجود، این نکته را آشکار می سازد که « تهدید هسته مرکزی این مفهوم را تشکیل می دهد. تهدید می تواند ابعاد عینی و ذهنی داشته باشد. بنابراین احساس امنیت را می توان در امان بودن یا در امان حس کردن خود از تهدید، صدمه، آسیب و یا خطر تعریف کرد.

۷- چارچوب نظری پژوهش

مفهوم و محتوای رفاه اجتماعی در طول چند دهه اخیر، بسیار دگرگون گشته است، در دهه ۱۹۷۰، گفته می شد که «رفاه اجتماعی، مجموعه قوانین، برنامه ها و خدمات سازمان یافته ای است که هدف آن تأمین حداقل نیازهای اساسی آحاد جمعیت کشور میباشد به طور کلی از تمایزهای مهم در سیاست اجتماعی تمایز دو مفهوم رفاه و بهزیستی است. این مفهوم اوایل عمدتاً با دولت رفاه همراه بود و هرچا صحبت از رفاه میشد، مفهوم رفاه به ذهن متبادر میشد. یعنی مفهوم رفاه با تحقق کارکردهای دولت رفاه همراه بود. نکته مسلم در تمایز این دو مفهوم آن است که بهزیستی یک مفهوم عام و با شمول بیشتری است که مفهوم رفاه در آن قرار میگیرد. بدیهی است که در این معنا، مفهوم بهزیستی میتواند دسته بندی های فرعی مانند بهزیستی ذهنی و بهزیستی عینی را در بر بگیرد. همچنین، مفهوم رفاه نیز دقیقاً تقسیم بندی مشابهی چون رفاه ذهن و رفاه عینی را دارد (غفاری و حبیب پور گنتابی ۱۳۹۳:۱۴۲۰) نظریه پردازی در باب رفاه اجتماعی از چندین جنبه ی مشخص صورت میپذیرد در یک معنا، رفاه اجتماعی به عنوان «بهزیستی» تعریف میشود، به طوری که در برخی متون اصطلاح رفاه به معنی بهزیستی نیز در نظر گرفته شده است و به احساس راحتی و بهبود وضعیت و همچنین کیفیت زندگی بالا اشاره دارد (گولد، ۱۳۷۶:۴۴) به عبارتی دیگر، در چارچوب سطوح بهداشت، امنیت، خوشبختی مادی و مشارکت و غیره که اعضای یک جامعه، ۱۳۷۶:۴۴) چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی، تجربه میکنند، اشاره دارد اساساً میتوان سطوح رفاه تجربه شده ی افراد و گروه ها را از رهگذر بکارگیری مقایسه ای ارزیابی کرد که در آن میزان ((امنیت برای مثال، قابل اندازه گیری است در مفهوم دوم، رفاه اجتماعی نظامی از روابط اجتماعی و نهادی را شامل می شود که از طریق آن افراد رفاه فردی با جسمی خود را تضمین یا حفظ می نمایند بدین معنی که در اینجا رفاه به ابزارها و شرایطی اشاره دارد که در آنها و از طریق آنها یک جمعیت کم و بیش سالم تر، ثروتمندتر یا ایمن تر در طول زمان باز تولید میشود یا باز تولید نمیشود در عمل، این نظام را میتوان به روشهای مختلف بسیاری توصیف کرد نهادها و شبکه های دولتی خصوصی، رسمی غیررسمی که انواع و سطوح متفاوت منابع و خدمات را عرضه با به دست میدهند ممکن است کانون توجه باشند. در عوض، ممکن است این تأکید مبتنی بر پیوندهای میان لایه های ساختار اجتماعی نظیر سیاست، اقتصاد، و فرهنگ و الگوهای عمل اجتماعی مانند الگوهای اجبار مبادله یا نمادسازی باشد در مفهوم یا معنای سوم، رفاه اجتماعی میتواند به صورت یک گفتمان مفهوم سازی شود این معنای سوم رفاه به چندین روش مختلف نیز توصیف میشود در اینجا، برای سهولت و شفافیت بیشتر گفتمان رفاه اجتماعی "مشکل از سازمان با ماتریسی از دانش ها است (همان، ۱۳۹۶). تحقق عدالت که رعایت اصل برابری، استحقاق ها و چتر ایمنی دال مرکزی آن را تشکیل می دهد.

یک گفتمان رفاه اجتماعی تعریفی از جهان از دو جنبه ی مفهومی و مادی این اصطلاح را به دست میدهد. بدین ترتیب این گفتمان در قالب نظریه ها روش های فهم پیوند بین عملها، نهادها و دانشها در سیاستها و برنامه های رفاه اجتماعی مورد توجه قرار میگیرد. نیازها و تأمین آنها نیز به احساس امنیت، داشتن درآمد، شغل، مسکن برمیگردد. همچنین رفاه دارای ابعاد مادی و غیرمادی است، در ابتدا بعد مادی رفاه دارای اهمیت می باشد، زیرا ابعاد مادی مثل خوراک، پوشاک، مسکن و ... دارای ویژگی عینی بوده و معمولاً نیازهای فرامادی بعد از نیازهای مادی خود را نشان می دهند یکی از ابعاد غیرمادی رفاه اجتماعی،

اعتماد نهادی است که جایگاه ممتازی در تبیین مشارکت شهروندان دارد. در توصیف رفاه اجتماعی در حوزه جامعه شناسی، دیدگاهها و نظریات گوناگون مطرح گردیده است که با توجه به موارد مرتبط با این پژوهش به برخی از مهمترین آنها اشاره میشود. در مورد رابطه توسعه اجتماعی چهار دیدگاه بررسی میشود.

الف) دیدگاه اجتماع گرایی: اجتماع گرایان سرمایه های اجتماعی را با سازمان های محلی چون باشگاه ها انجمن ها و گروه های مدنی برابر می پندارند. اجتماع گرایان بر این اعتقادند که سرمایه های اجتماعی هر چه بیشتر باشد اثر آن در رفاه اجتماعی بیشتر است. اما شواهد در جهان در حال توسعه نشان میدهد که صرف دارا بودن سطح بالای همبستگی اجتماعی با گروه های غیر رسمی لزوماً به رفاه اقتصادی نمی انجامد.

ب) دیدگاه شبکه ای: بر این اعتقاد است که گروه های فقیر با وارد شدن در شبکه های اجتماعی از رفاه بیشتری برخوردار گردند. شبکه ها به افراد این اطمینان را میدهند که با تبدیل دانش و تجربه بتوانند انسجام درونی خود را تعریف کرده و در نهایت در برابر مشکلات مقاومت بیشتری داشته باشند.

ج) دیدگاه نهادی: در این دیدگاه شبکه ای اجتماعی عمدتاً محصول محیط سیاسی، قانونی و نهادی است.

د) دیدگاه همیاری: این دیدگاه از تلفیق دو دیدگاه شبکه ای و نهادی بوجود آمده است بر اساس این دیدگاه دولت و جامعه هیچکدام به طور ذاتی در توسعه موثر نمی باشند. نخستین تحلیل منظم در سرمایه اجتماعی بوسیله بورديو صورت گرفته است. کاربرد سرمایه اجتماعی نزد وی بر این درک استوار است که افراد چگونه با سرمایه گذاری بر روابط گروهی، وضعیت اجتماعی خود را در یک فضای اجتماعی سلسله مراتبی بهبود می بخشند. دیدگاه بورديو در سرمایه اجتماعی بیش از حد ابزاری است و آن را چیزی میداند که افراد یا طبقات به کار میینند تا به منافع اجتماعی خود دست یابند (زاهدی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۱۲) پاتنام معتقد است که با وجود عدم توافق در منابع موجود بر سر اینکه سرمایه اجتماعی چگونه تعریف شود، نویسندگان با یکدیگر معتقداند که این امر شامل مجموعه ای اجزای یافته شده در ارتباطات و تعاملات بین مردم است و هنگامی که فعال شود، به افراد نیرو و توان بخشیده و همکاری در جهت سود مشارکت را آسان میکند. در اصل، سرمایه اجتماعی به شبکه های پشتیبان اجتماعی، نهاد های محلی، هنجارها و ضوابط مشترک احتمال و تعاملات دو سویه و فعالیت های جمعی بین اجزای جامعه که میتواند برای ایجاد فواید همگانی مورد استفاده قرار گیرد اشاره دارد. (ماندل، ۲۰۰۷: ۳۲)

در راستای وظیفه دولت در ضمیمه رفاه اجتماعی، واژه عدالت بویژه عدالت اجتماعی مطرح میشود. هاینک معتقد است عدالت اجتماعی باید مبتنی بر شایستگی افراد باشد و تاکید می نماید که مداخله دولت ها در برقراری رفاه برای تحقق عدالت اجتماعی، ناقض عدالت است چرا که در چنین مداخله ای هرگز تخصیص کمک ها بر اساس شایستگی افراد صورت نمیگیرد. با این حال بسیاری از صاحب نظران دیگر با چنین تفسیری از رابطه عدالت اجتماعی و رفاه موافق نیستند (گل پرور، محسن و حمید رضا عریضی و سعید مدنی قهفرخی، ۱۳۸۸: ۱۳۲)

یک جنبه مهم از مباحث مرتبط با رفاه اجتماعی، جنبه سیاسی آن است که توجه به موضوع دولت رفاه نیز در آن چارچوب قابل طرح است. دولت رفاه به نوعی بیانگر وجه کاربردی مباحث نظری رفاه اجتماعی بشمار میرود که از اواسط قرن بیستم ب صورت مشخص تری مطرح گردید و به جرات می توان گفت که یکی از بارزترین عناصر در تفکر معاصر، ادغام نظریه رفاه در دولت است. (یزدانی، ۱۳۸۲: ۳۶) برخی از اندیشمندان، به وجود رابطه متقابل بین فرد و دولت اشاره دارند. برای نمونه کیلگور (۲۰۱۰) است که به طور ضمنی به این رابطه توجه دارد. وی می گوید (برای بیشتر آمریکایی ها و خانواده های آنها، برنامه رفاه

اجتماعی، مهم ترین برنامه دولت است. افراد کمی وجود دارند که مزایای رفاه اجتماعی به طور مستقیم یا غیر مستقیم برای آنها مهم نباشد.

به طور کلی هدف همه کشورها، تشخیص دادن و عمیق شدن در مورد رفاه اجتماعی است. بسیاری از کشورها از جمله کشورهای کم درآمد یا با درآمد متوسط، در پی درک حق رفاه اجتماعی برای جمعیت یا حداقل برای برخی جوانب خاص هستند. چالش کشورهای پردرآمد، گسترش مجدد پوشش رفاه اجتماعی برای اقشار آسیب پذیر، به اضافه حفظ پوشش فردی و سطح مزایا است. از این رو، حق بهره مندی از رفاه اجتماعی منبای راهبردهای ملی برای گسترش پوشش رفاه اجتماعی است. به عبارتی دیگر برنامه رفاه اجتماعی شامل برنامه هایی است که به طور ویژه در جهت رفاه افراد و خانواده است.

فقر و فاصله طبقاتی، بر هم زننده تعادل اجتماعی است و رفاه اجتماعی و توزیع آن را آسیب پذیر ساخته و ثبات سیاسی و اجتماعی جامعه را ناپایدار میسازد (حق جو، ۱۳۸۱: ۷۷) مارکسیسم نوعاً بینشی عرضه میکند که بیشتر معطوف نابرابری است تا برابری، و بر این فکر مبتنی است که دارندگان ثروت، به سبب توزیع نابرابر عوامل تولید، خود را از طبقات دیگر دزدیده اند. بنابراین نظام ها و نهاد های اجتماعی را اساساً باید به مثابه مظاهر نابرابری های طبقاتی و نیز نابرابری در مالکیت عوامل بازتولید در طول زمان و مکان قلمداد کرد (فیتز پتریک، ۱۳۸۵: ۷۳)

در این راستا نبود امکانات اجتماعی و مادی (رفاه اجتماعی) وضعیت امنیت اجتماعی افراد متعلق به طبقه فرودست موثر است. پژوهش ها نشان می دهند که افراد متعلق به خانواد های با محرومیت های چندگانه، در مقایسه با افرادی که در خانواده های مرفه زندگی میکنند، سه برابر بیشتر احساس نا امنی میکنند. بر اساس این جنبه آسیب پذیری موضوع های مهمی مطرح می شود:

- مردمی که در مناطق محروم و فقیر زندگی میکنند، احساس میکنند که کمتر قادرند از دارایی های خود در مقابل تهدید قربانی شدن محافظت نمایند، چرا که هزینه و نه انتخاب، اغلب این که خانواده آنها وسایل لازم امنیتی را داشته باشد یا نه، به آنها تحمیل و دیکته میکند.
- افراد فقیر به طور بالقوه بیشتر در معرض وضعیت های تهدید کننده هستند
- افراد فقیر در مناطقی زندگی میکنند که دچار درجه بالاتری از جرم و خشونت است و هردو آنها احساس نا امنی را افزایش میدهد. هال (۱۹۹۶) چنین نتیجه میگیرد که نبود منابع اجتماعی و مادی ممکن است بدان معنا باشد که آنها کمتر قادر به قربانی شدن در سطح فردی هستند و در سطح اجتماعی فقدان ارتباطات، توانایی سازمانی و شبکه های سیاسی موجود در محله های با سطح بالا قدرت مقابله را کم میسازد.

۸- نتیجه گیری

هدف اصلی این پژوهش، توصیف رفاه اجتماعی و ارتباط آن با امنیت و احساس امنیت در افراد جامع است. امنیت پدیده ای روان شناختی-اجتماعی است که ابعاد گوناگونی را در برمی گیرد. این احساس بعد ذهنی امنیت را پررنگ می سازد و ناشی از تجربه های مستقیم و غیرمستقیم افراد از شرایط و محیط پیرامونی است که افراد مختلف به صورت های گوناگون آن را تجربه می کنند. بنابر این براساس تمایز میان مرز احساس و واقعیت می توان احساس امنیت را از امنیت واقعی تفکیک کرد. گاه ممکن است ناامنی هایی در جامعه وجود داشته باشد، ولی مردم احساس نکنند.

با بررسی مفاهیم و دیدگاه های رفاه اجتماعی و امنیت به نتیجه می رسیم که، بین رفاه اجتماعی و سرمایه اجتماعی رابطه مستقیمی وجود دارد. به صورتیکه اگر سرمایه اجتماعی بیشتر باشد رفاه اجتماعی بیشتر می شود. و اگر سرمایه اجتماعی کمتر باشد رفاه اجتماعی کمتر می شود. در ادامه به دیگر فرضیه پژوهش می پردازم، بین رفاه اجتماعی و احساس امنیت رابطه معنا داری وجود دارد به طوریکه هر میزانی که رفاه اجتماعی بیشتر باشد احساس امنیت در بین افراد جامعه بیشتر می شود. از آنجا که در آرای همه صاحب نظران سرمایه اجتماعی این دلالت ضمنی وجود دارد که سرمایه اجتماعی از طریق تسهیل روابط اجتماعی موجباتی را فراهم میسازد که افراد بهتر و ساده تر بتوانند منافع فردی و گروهی خود را دنبال کنند و به تبع آن رفاه اجتماعی حاصل میشود. سرمایه اجتماعی در شکل مفید و متوازن آن منجر به افزایش رفاه خواهد شد و همه از آن سود خواهند برد به دنبال آن احساس امنیت در بین افراد جامعه تقویت کرده و با مشارکت در برنامه های سالم سازی شهر و حتی کشور به پشتونه چنین اعتماد و امنیت خاطری به توسعه میانجامد.

۹-پیشنهادات

- دولت ها باید راهبرد های مناسبی در اقتصاد کلان اتخاذ نمایند که این امر یک مبنای محکم برای برنامه های رفاه اجتماعی ایجاد میکند
- دولت ها باید کارفرمایان را ملزم سازند تا برنامه های مقرر شغلی که ارائه دهنده حمایت اجتماعی در سالمندی است فراهم کنند. مقرر باید از یک کارفرما به دیگری به راحتی قابل انتقال باشد
- دولت ها باید میزان پوشش برنامه های بیمه اجتماعی را به افرادی که خارج از بخش رسمی کار میکنند گسترش داده و نیز شمار حوادث احتمالی تحت پوشش را نیز افزایش دهند.
- دولت ها باید نقش رهبری را در تقویت کمک های متقابل در جوامع از طریق تسریع ایجاد رابطه با برنامه های رفاه اجتماعی رسمی در بین دیگر موارد دست گیرد.
- دولت ها باید مسئولیت ارائه خدمات همگانی بهداشتی را پذیرفته و بیمه های در سطح جزئی را مورد تشویق و ترغیب قرار دهند

۱۰-منابع

- امیر کافی، مهدی. (۱۳۸۸). بررسی احساس امنیت و عوامل مؤثر بر آن (مورد مطالعه: شهر تهران) فصلنامه تحقیقات علوم اجتماعی ایران
- بوزان، باری. ۱۳۷۸. مردم، دولت ها و هراس، تهران: پژوهشکده مطالعه راهبردی،
- پاتنام رابرت. ۱۳۸۰. دموکراسی و سنت های مدنی. ترجمه: محمد تقی دلفروز، تهران انتشارات سلام.
- تونی، فیتز پتریک. ۱۳۸۳. ((نظریه رفاه)) ترجمه: هرمز همایون پور، تهران موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی، گام نو
- تونی، فیتز پتریک. ۱۳۸۵. ((نظریه های رفاه جدید)) ترجمه: هرمز همایون پور، تهران موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی، گام نو.

- تودارو، مایکل. ۱۳۸۷. توسعه اقتصادی در جهان سوم؛ ترجمه غامعلی فرجادی. انتشارات کوهسار.
- رمضان مقدم و اجاری، یاسمن، جانی پور، مجتبی. ۱۳۹۶. رابطه عوامل اجتماعی و آگاهی از قوانین با آگاهی از حقوق شهروندی در بین شهروندان شهر رشت. مطالعات جامعه شناسی.
- ربانی رسول، قاسمی وحید، عباس زاده محمد. ۱۳۸۸. رابطه ابعاد مادی و غیر مادی رفاه اجتماعی با مشارکت شهروندان در امور. رفاه اجتماعی.
- زاهدی محمدجواد، شینانی ملیحه، علی پور پروین. ۱۳۸۸. رابطه سرمایه اجتماعی با رفاه اجتماعی. رفاه اجتماعی.
- سجادی، حمیرا، صدرالسادات، سیدجلال. ۱۳۸۳. شاخص های سلامت اجتماعی.
- غفاری، غلامرضا، پور گتایی، حبیب. ۱۳۹۷. سیاست های اجتماعی انتشارات دانشگاه تهران.
- قرهباغیان، مرتضی. ۱۳۹۳. اقتصاد رشد و توسعه، جلد اول، تهران: نشر نی. کلمنتس
- کلمنتس، کوین. ۱۳۸۴. به سوی جامعه شناسی امنیت، ترجمه محمدعلی قاسمی، فصلنامه پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- گل پرور محسن، عریضی سامانی سید حمیدرضا، مدنی قهفرخی سعید. ۱۳۸۸. نقش نگرش به رفاه اجتماعی در رابطه همدلی و گرایش اجتماعی با عدالت اجتماعی، رفاه اجتماعی.
- گولد، جولیسوس. ۱۳۹۲. فرهنگ علوم، ترجمه محمدجواد زاهدی، انتشارات مازیار.
- ماندل، رابرت. ۱۳۷۹. چهره متغیر امنیت ملی تهران انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- رفاه اجتماعی و رابطه آن با احساس امنیت و سرمایه اجتماعی میلاد عبدی
- مجیلی، جیمز. ۱۳۷۸. رفاه اجتماعی در جهان، ترجمه محمد تقی جغتایی، تهران دانشگاه علوم بهزیستی.
- مؤمنی، فرشاد. ۱۳۷۴. کالبد شکافی یک برنامه توسعه، تهران: مؤسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس
- یزدانی فرشید. ۱۳۸۲. بنیادی در مباحث رفاه اجتماعی (سیاست اجتماعی، حمایت اجتماعی، رفاه و تأمین اجتماعی).

Social welfare and its relationship with social capital and sense of security

Abstract

Social welfare is an expression that is more focused on a multifaceted economic, social and political situation, and preserving the dignity of human beings and society's responsibility towards it and promoting the ability of the whole society is a definition for the welfare and comfort of the whole society. In this sense, in the concept of social well-being, it is assumed that it is possible to measure personal well-being, and compare the well-being of people with each other, and create a balance between this individual well-being and the overall well-being of society. Security has penetrated in all environmental, economic, political, social and cultural dimensions. Also, the feeling of security and the high security factor are indicators of development and the state of Basaman, which, as one of the most important indicators of social welfare, overshadows other indicators of this category. The feeling of security is subjective in this category and it can be said that it has all aspects of security in it. This concept is one of the important and influential concepts in social welfare issues. The purpose of this article is to describe social welfare and its relation to the feeling of security and social capital in society. By examining the concepts and perspectives, we come to the conclusion that there is a direct relationship between social welfare and social capital, and there is also a significant relationship between social welfare and a sense of security. The article is the result of documentary and library study.

Keywords: social welfare, social capital, sense of security